

واکاوی نقش اتحادیه‌ی اروپا در بحران اوکراین ۲۰۱۴ (در پرتو نظریه‌ی نهادگرایی نئولبرال)

افسانه دانش^۱

چکیده

جوهره‌ی اصلی مدعای نهادگرایان نئولبرال را این پرسش شکل می‌دهد که چگونه نهادها می‌توانند دولت‌های دارنده منافع متعدد و متنوع را تحت تأثیر گذارند؟ بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ میلادی واکنش قدرت‌های بزرگ از جمله اتحادیه‌ی اروپا را در برداشت. الحاق شبه‌جزیره‌ی کریمه به روسیه سبب واکنش شدید اتحادیه‌ی اروپا شد، به گونه‌ای که برای اولین بار پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اتحادیه اروپا به اتخاذ تحریم‌های سخت علیه این کشور پرداخت. اتحادیه‌ی اروپا نقض بی‌دلیل حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین را به شدت محکوم کرد و با سیاست تحریم علیه روسیه و سیاست اصلاحات در اوکراین باعث خلل در قدرت بازیگری روسیه و حفظ حقوق بشر شد و جلوی تشدید بحران و بی‌نظمی در نظام بین‌الملل را گرفت. هدف این مقاله این است با روش توصیفی-تبیینی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به تحلیل عملکرد اتحادیه‌ی اروپا در بحران اوکراین و الحاق کریمه به روسیه بپردازد.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، روسیه، اوکراین، نهادگرایی نئولبرال

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

اوکراین به‌عنوان دومین کشور بزرگ پس از روسیه در منطقه از لحاظ امنیتی، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک دارای اهمیت ویژه‌ای برای مسکو است (آجیلی؛ آهار، ۱۳۹۳: ۶۱). اوکراین به‌عنوان مؤثرترین کشور از نظر امنیتی، اقتصادی و سیاسی در مجموعه دریای سیاه بوده (در سال ۲۰۱۳ مجموع صادرات ۱۵/۸ میلیارد دلار بوده) و از سوی دیگر وابستگی اوکراین به واردات انرژی رابطه این دو کشور را به هم نزدیک‌تر نموده است. به‌طوری‌که در سال ۱۹۹۷ پیمان دوستی و همکاری، مشارکت اقتصادی و زمینه سرمایه‌گذاری را برای بخش‌های خصوصی روسی در اوکراین فراهم نمود (گودرزی؛ درخشنده، ۱۳۹۴: ۱۱). در سال ۱۹۹۱، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اوکراین نیز در شمار کشورهای بود که استقلال خود را بازیافت و تبدیل به بازیگری مستقل در عرصه بین‌المللی شد؛ اما سال‌های دراز عضویت در اتحاد جماهیر شوروی و نیز پیوندهای نژادی، زبانی و مذهبی میان ساکنان اوکراین-بویژه مناطق شرقی و جنوبی-با روسیه، چیزی نبود که به بهانه دستیابی به استقلال بتوان به‌آسانی از آن چشم‌پوشی کرد. این مسئله از آن هنگام تاکنون مایه چالش‌هایی برای اوکراین بوده است. شبه‌جزیره کریمه مشرف بر ساحل محدود روسیه در دریای سیاه است و از همین رو، این شبه‌جزیره از دیدگاه ژئوپلیتیک اهمیت ویژه برای روسیه دارد (آجیلی؛ آهار، ۱۳۹۳: ۷).

در نوامبر ۲۰۱۳ صحنه سیاسی اوکراین به دلیل عدم امضای مفاد قرارداد تجاری با اتحادیه اروپا توسط ویکتور یانکویچ، رئیس‌جمهور این کشور با منازعات جدی مواجه شد؛ وضعیتی که در آن قدرت سیاسی، سازوکار مناسبی برای مهار ورودی‌های آشوب‌ساز-غرب‌گرایان-اتخاذ نکرد. عرصه سیاست از روندهای معمولی خارج و آنارشسیسم از خیابان‌ها تبدیل به یک نیروی اجتماعی تعیین‌کننده شد. شورش‌های خیابانی مخالفان دولت به‌شدت از سوی غرب مورد حمایت قرار گرفته بود؛ دولت‌های غربی با فشار رسانه‌ای به دولت اوکراین، حمایت خود را از شورش‌های خیابانی اعلام می‌کردند و روسیه را متهم به فشار بر دولت یانکویچ جهت امضای قرارداد اقتصادی کردند. سرانجام در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ با وخیم شدن اوضاع داخلی اوکراین و برکناری یانکویچ از قدرت، شبه‌جزیره کریمه از طریق برگزاری همه‌پرسی سراسری با موافقت ۹۶ درصدی ساکنان آن به روسیه ملحق شد و رسماً جزئی از خاک روسیه گردید (هدایتی؛ رضایور، ۲۰۱۳: ۲۰).

در ۳ مارس، شورای اتحادیه اروپا نقض آشکار حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین را به‌وسیله نیروهای مسلح روسیه و هم‌چنین مجوز صادره از شورای فدرال روسیه در اول مارس برای استفاده از

نیروهای مسلح در اوکراین را محکوم کرد. با این حال اتحادیه اروپا این همه‌پرسی را غیرقانونی دانست و از بازیگران بین‌المللی خواست تغییرات به وجود آمده در کریمه و سواستپل را به رسمیت نشناسند (زمانی و نکویی، ۱۳۹۵: ۷).

به دنبال انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ روسیه تلاش‌های غرب را کاملاً تهدیدکننده یافت. سه برنامه که توسط غرب طراحی شده بود از دید رهبر روسیه ابزار به حاشیه رانده شدن روسیه تلقی می‌شدند که با مخالفت مسکو روبه‌رو شدند. نخستین برنامه ترغیب ویکتور یانکوویچ از سوی غرب برای امضای موافقت‌نامه تجارت با اتحادیه اروپا بود. دومین برنامه غرب کمک به تظاهرکنندگان در نوامبر ۲۰۱۳ در میدان استقلال بود تا آنان موفق به فراری دادن یانکوویچ و استقرار حکومت غرب‌گرا شوند. روسیه با تشویق رفراندوم در کریمه، دولت بر سرکار آمده در کی‌یف از همان آغاز در موضع انفعالی قرار داد. برنامه سوم غرب تلاش برای کشاندن اوکراین و روسیه به پای میز مذاکره بود (دهشیار (ب)، ۱۳۹۳: ۲۱). بارقه‌های بحران اوکراین در شهر کی‌یف در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳ زده شد، زمانی که رئیس‌جمهور یانکوویچ^۱ از انعقاد معاهده تجاری با اتحادیه اروپا سر باز زد و به‌جای آن به سمت همکاری نزدیک‌تر با روسیه متمایل شد. این مسئله موجی از اعتراضات را در کی‌یف به راه انداخت. در ۲۱ فوریه ۲۰۱۴ رهبران حزب مخالف اوکراین و یانکوویچ موافقت‌نامه‌ای با حضور اعضای اتحادیه اروپا امضا کردند که طبق آن طرفین توافق کردند که از خشونت استفاده نکنند و انتخابات ریاست جمهوری تا قبل از دسامبر ۲۰۱۴ انجام شود. اگرچه یک روز پس از انعقاد این توافقنامه (۲۲ فوریه) معترضان خشمگین، کنترل ساختمان ریاست جمهوری را به دست گرفتند و در همین زمان یانکوویچ به روسیه فرار کرد. فردای آن روز پارلمان اوکراین، لایحه‌ای را بر اساس ماده ۱۱۲ قانون اساسی اوکراین تصویب کرد وفق آن قدرت رئیس‌جمهور اوکراین به رئیس پارلمان (تورچینف) اعطا شد و در عمل تورچینف به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت شناسایی شد. هم‌زمان، کانون بحران از کی‌یف به کریمه تغییر پیدا کرد: در ۲۶ فوریه افراد مسلح طرفدار روسیه، ساختمان‌های کلیدی را در شهر سیمفروپول مرکز کریمه اشغال کردند (زمانی و نکویی، ۱۳۹۴: ۵).

با ذکر این مقدمات، غایت اصلی از ارائه این پژوهش حاضر، پاسخگویی به این پرسش نظری است که: اتحادیه اروپا چه نقشی در بحران اوکراین ۲۰۱۴ داشته است؟ فرضیه تحقیق: سیاست تحریم

^۱ Viktor Yanukovich

اتحادیه اروپا علیه روسیه و سیاست اصلاحات در اوکراین باعث خلل در قدرت بازیگری روسیه، حفظ حقوق بشر و جلوگیری از بی‌نظمی بیشتر در نظام بین‌الملل شد.

پیشینه‌ی تحقیق

ادبیات نسبتاً گسترده‌ای در زمینه‌ی بحران اوکراین توسط نویسندگان و پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی نوشته شده است که ابعاد و وجوه مختلف این بحران را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. از بررسی این آثار، می‌توان دریافت که هیچ‌کدام از آثار موجود به بررسی عملکرد اتحادیه اروپا و نقش مؤثر آن در کاهش شدت بحران اوکراین از دید نهادگرایی نئولیبرال نپرداخته‌اند این آثار را می‌توان به این شکل دسته‌بندی کرد:

الف) پژوهش‌هایی که بحران اوکراین و زمینه‌های تاریخی آن را بررسی می‌کنند: (رستمی، وثوقی و خیری ۱۳۹۵، مصلی نژاد ۱۳۹۲، کرم زادی و خوانساری فرد ۱۳۹۳، گودرزی و درخشنده، آقاجانی ۱۳۷۳، ترابی و کیانی ۱۳۹۳، صباغیان و ثمودی ۱۳۹۳، شیرازی، ۱۳۹۳، زمانی ۱۳۹۵، حسینی ۱۳۹۴).

(Wilson 2014, Lironi 2015, Rabinovych 2017, Grant 2016, Bukvoll 1997, Belber 2015, Traynor 2014)

محمدرضا رستمی در مقاله‌اش با عنوان «بحران اوکراین، زمینه‌های منطقه‌ای و پیامدهای فرمانطقه‌ای»، با استفاده از چارچوب نظری جنگ و صلح منطقه‌ای به بررسی بحران اوکراین و اهمیت این کشور برای روسیه پرداخته است. عباس مصلی نژاد (۱۳۹۲) در مقاله «بحران اوکراین و تشدید رقابت‌های منطقه‌ای» صرفاً به این مسئله پرداخته که اوکراین به حوزه‌ای برای کشمکش روسیه و ایالات متحده بر سر نفوذ منطقه‌ای تبدیل شده است.

مسلم کرم زادی و فهیمه خوانساری فرد (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی روابط اوکراین و روسیه (ریشه‌یابی زمینه‌های بحران ۲۰۱۴)» به این مسئله پرداخته که اتخاذ سیاست خارجی یک‌جانبه گرایانه به نفع غرب، منجر به بحران‌های متعدد در اوکراین شده است.

مهناز گودرزی و مریم درخشنده در مقاله " بحران اوکراین در مجموعه امنیتی دریای سیاه " به واکاوی بحران اوکراین به‌عنوان بخشی از نظم منطقه‌ای و نوع نگاه روسیه به این منطقه می‌پردازد.

ناصر آقاجانی اصفهانی (۱۳۷۳) در مقاله «بررسی ریشه‌های اختلاف در روابط روسیه و اوکراین» به بررسی اهمیت موقعیت اوکراین و ریشه‌های اختلاف آن با روسیه پرداخته است. قاسم ترابی و فریبا کیانی (۱۳۹۳) در مقاله «تبیین سیاست خارجی روسیه در قبال بحران اوکراین» از منظر واقع‌گرایی ساختاری تدافعی به بررسی سیاست خارجی روسیه در قبال بحران اوکراین پرداخته است.

علی صباغیان و علیرضا ثمودی (۱۳۹۳) در مقاله «تحریم‌های اتحادیه اروپا بر ضد روسیه؛ دلایل، ابعاد و پیامدها» با تأکید بر چارچوب نظری واقع‌گرایی مسئله اعمال تحریم‌ها و پیامدهای آن را بررسی کرده است و شیرازی (۱۳۹۳).

(ب) پژوهش‌هایی که نقش اتحادیه اروپا را در بحران اوکراین بررسی می‌کنند:

(حکمت نژاد و رضانی ۱۳۹۴، عسگریان و وکیلی ۱۳۹۳، شعیب ۱۳۸۸، دهشیار ۱۳۷۷، ۱۳۹۳، نیکنامی ۱۳۹۴، کیانی ۱۳۸۸، ۱۳۸۶، میرکوشش و میرمسعودی ۱۳۹۵).

ناصر حکمت نژاد و محمدعلی رضانی (۱۳۹۴) در مقاله «تحلیل عملکرد سیاست همسایگی اتحادیه اروپا؛ مطالعه موردی اوکراین» به بررسی سیاست همسایگی اتحادیه اروپا و کارایی این سیاست در قبال اوکراین پرداخته‌اند.

عباس عسگریان و فرهاد وکیلی (۱۳۹۳) در مقاله «رژیم چندجانبه تحریم: واکاوی سازوکار تحریم‌های اعمالی علیه روسیه» با استفاده از نظریه رژیم این فرضیه را مطرح کرده است که سازوکار تحریم‌های غرب علیه روسیه در قالب یک رژیم چندجانبه، دربردارنده اجزای ماهوی، تصمیم‌گیری و اجرا و نظارت هستند. بهمن شعیب (۱۳۸۸) در مقاله «روسیه و اتحادیه اروپا؛ تقابل واقع‌گرایی و لیبرالیسم» صرفاً به بررسی روابط روسیه و اتحادیه اروپا از منظر دو رویکرد واقع‌گرایی و لیبرالیسم پرداخته است و آدمی (۱۳۹۳)، آجیلی (۱۳۹۳). رکسانا نیکنامی (۱۳۹۴) در مقاله «سنجش تأثیر و کارایی تحریم‌ها: مورد تحریم‌های اتحادیه اروپایی علیه روسیه» با استفاده از چارچوب نظری رژیم به واکاوی تأثیرات رژیم تحریم اتحادیه اروپا بر روسیه و ارائه راهکارهایی جهت کاهش تبعات برقراری این رژیم پرداخته است. داود کیانی (۱۳۸۶)، (۱۳۸۸) در مقاله «سیاست نفوذ روسیه در اوکراین، واکنش اتحادیه اروپا» نفوذ روسیه در اوکراین را عمیق و واکنش اتحادیه اروپا در این زمینه را تا حدودی سطحی و انفعالی می‌داند. دکتر امیر هوشنگ میرکوشش و مسعوده میرمسعودی (۱۳۹۵) در مقاله «نیروی هنجاری اتحادیه اروپا در برابر قدرت نوپای روسیه» این فرضیه را مطرح کرده‌اند که سیاست

هنجاری اتحادیه اروپا در سایه ناهماهنگی کشورهای عضو و به‌ویژه بی‌علاقگی کشورهای اروپایی به پیروی از سیاست‌های آمریکا و جایگاه روسیه، سیاست هنجاری اتحادیه اروپا را در زمینه مسائل منطقه‌ای و جهانی به چالش کشیده است.

چارچوب نظری: نهادگرایی نئولیبرال

با آشکار شدن ناتوانی دولت‌ها در تأمین امنیت رفاهی جامعه، بیان مطالبات مردم نسبت به حکومت‌ها روزبه‌روز اضافه‌تر می‌شود. گروهی از دانشمندان با عدول از بدبینی فلسفی واقع‌گرایان و روی‌آوری به خوش‌بینی فلسفی، در اندیشه یافتن راه‌حل مناسب برای امنیت شهروندان و جلوگیری از بروز جنگ مجدد و ویرانی شدند (سیف زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

نهادگرایان نئولیبرال بر نهادسازی و ایجاد رژیم‌ها تمرکز نموده و معتقدند رژیم‌ها و نهادها نقش مؤثری در تحفیف و جبران آشوب‌زدگی بین‌المللی دارند (قوام، ۱۳۹۳: ۷۵). آن‌ها معتقدند نهادهایی مانند اتحادیه می‌تواند با تأثیر بر محاسبه سود و زیان کشورها هنجارها و رویه‌هایی ایجاد کنند که خصوصیت هرج‌ومرج سیستم بین‌الملل را تعدیل کند. آن‌ها حتی در امور حساسی مانند امور امنیتی می‌توانند با حل اختلافات، تشکیل اتحادهای امنیتی و مدیریت روابط چارچوب مطمئنی برای تعامل کشورها فراهم کنند (دهقانی، ۱۳۷۷: ۵۷). برای اتحادیه اروپا به‌عنوان بازیگر امنیتی در عرصه بین‌الملل چهار نقش و کارویژه امنیتی را می‌توان در نظر گرفت: تضمین، پیشگیری، محافظت و اجبار (امینیان، ۱۳۹۴: ۵).

یکی از رهیافت‌های مهم در مدیریت بحران‌های بین‌المللی رهیافت اروپایی است. مدیریت اروپایی بحران‌های بین‌المللی به دنبال به دست آوردن اعتبار بیشتر و استفاده از قدرت نرم و به دنبال نقش‌آفرینی بیشتر در عرصه سیاست بین‌المللی است و برای ایفای یک نقش قدرتمند نرم‌افزاری در صحنه جهانی تلاش می‌کند. منطق آن بر همکاری بین دولتی اروپایی در قالب اتحادیه اروپا استوار است. در واقع ستون پایه‌های مدیریت اروپایی بحران‌های بین‌المللی بر همکاری‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی استوار بوده است. از این رو، می‌توان بیان داشت که سبک اتحادیه اروپا در مدیریت بحران مبتنی بر «چندجانبه‌گرایی مؤثر»^۱ بوده است (مجیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۵).

^۱ Effective Multilateralism

وقتی که احتمال به‌کارگیری منفعت نسبی توسط یک کشور علیه کشورهای دیگر در آینده وجود دارد و هنگامی که این کشور انگیزه و نیت جدی برای انجام چنین کاری دارد، نگرانی و حساسیت نسبت به منفعت نسبی بر روابط بین کشورها حاکم و مستولی می‌شود. لذا، نئولیبرالیسم روی کارکرد نهادها در کاستن از نگرانی‌ها و حساسیت‌ها نسبت به منفعت نسبی از طریق شکل دادن به انتظارات کشورها که به‌نوبه خود منافع و رفتار کشورها را تعیین می‌کند، تأکید می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۷: ۱۶).

نظریه نئولیبرالیسم علی‌رغم قرار گرفتن در نظریه‌های لیبرال در برخی از اصول با نئولیبرالیسم شباهت دارد. نئولیبرالیسم تلفیقی از نوکارگرگرای و نواقعی‌گرایی است در همین رابطه رابرت کتوهن یکی از نظریه‌پردازان نهادگرایی نئولیبرال، مفروضات پایه واقع‌گرایی را می‌پذیرد:

الف- نظام بین‌الملل آنارشیک است و اصل خودیاری بر آن حاکم است

ب- دولت‌ها کنشگران اصلی در روابط بین‌الملل هستند و برای دولت‌ها توانمندی اهمیت دارد

ج- دولت‌ها به شکل کنشگرانی یکپارچه و عقلانی و بر اساس تأمین منافع ملی رفتار می‌کنند

د- میان ایجاد رژیم‌های بین‌المللی و قدرت ارتباط وجود دارد

ه- قدرت و وابستگی متقابل از هم مستقل نیستند و وابستگی متقابل نامتقارن نوعی از قدرت است

(مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۶۶).

اصول و پیش‌فرض‌های نئولیبرالیسم

هسته مرکزی نهادگرایی نئولیبرال را پنج اصل تشکیل می‌دهد که به شرح زیر است:

رویکرد نظام‌مند: نئولیبرالیسم همانند نئورئالیسم دیدگاهی از نوع تصویر سوم است. به این معنا که

اگر ویژگی‌های نظام بین‌الملل را درک کنیم، می‌توانیم به رفتار کشورها پی ببریم

بی‌نظمی بین‌المللی: آن‌ها همانند نئورئالیسم معتقدند که نظام بین‌الملل بی‌نظم است. در واقع نظام

بین‌الملل بی‌نظم پیش‌فرض محوری نئولیبرال‌ها است

کشورها مهم‌ترین بازیگران: نئولیبرال‌ها، کشورها را مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل می‌دانند

اهمیت سازمان‌های بین‌المللی: مهم‌ترین ویژگی نظریه نهادگرایی نئولیبرال، قائل بودن هویت مستقل

برای نهادهای بین‌المللی در نظام بین‌الملل است. طبق این نظریه، نهادهای بین‌المللی بازتاب توزیع

قدرت و منافع ملی نیستند و با تغییر توانایی‌های ملی و منافع کشورها، تغییر نمی‌کنند. نهادهای

بین‌المللی از استقلال و خودمختاری برخوردارند. به‌طورکلی نهادهای بین‌المللی به شکل‌گیری دستور کار بین‌المللی کمک کرده و به‌عنوان عواملی تسریع‌کننده برای تشکیل ائتلاف‌های و همچنین به‌عنوان میدان برای بروز ابتکارات سیاسی و برقراری پیوند عمل می‌کنند (دهقانی: ۱۳۷۷).

اهمیت اوکراین برای روسیه

اوکراین در زبان روسی به معنی کرانه و حاشیه و درکل به معنای قلمرو پیرامونی روسیه است. اوکراین یکی از مهم‌ترین کشورهای حوزه اوراسیا محسوب می‌شود. این کشور از نظر تاریخی نزدیکی بسیار زیادی با دولت روسیه داشته است (ولیزاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۸). روس‌ها، کی‌یف را نخستین خاستگاه تاریخی خود می‌دانند و از نظر مذهبی هم اوکراین به این دلیل که کی‌یف خاستگاه و محل بنیان کلیسای ارتدکس بوده، موردتوجه روسیه است. اوکراین منطقه حائل میان اروپا و روسیه بوده و پس از فروپاشی اتحاد شوروی به‌عنوان سنگر روسیه در برابر ناتو و اتحادیه اروپا عمل کرده است (کولایی، ۱۳۹۶: ۷). حدود ۲۰ درصد از جمعیت اوکراین روس زبان هستند و با روسیه پیوندهای فرهنگی و مذهبی دارند. به دلیل حضور جمعیت بزرگ روس تبار در اوکراین، روسیه نگاه ویژه‌ای به این جمهوری دارد (کولایی، ۱۳۹۶: ۷). افزون بر این، مدخل زمینی برای جنوب غربی روسیه است و شبه‌جزیره کریمه مشرف بر ساحل محدود روسیه در دریای سیاه است. همچنین، اوکراین بخش مهمی از سواحل دریای سیاه و بنادر مهم آن از جمله سواستوپول و اودسا را در اختیار دارد، بنادری که روسیه در دوره شوروی برای استقرار ناوگان خود در دریای سیاه از آن‌ها بهره می‌گرفت (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۵۶).

حدود ۸۰ درصد گاز طبیعی و ۷۵ درصد نفت خام روسیه از اوکراین به اتحادیه اروپا صادر می‌شود، روسیه به‌منظور اصلاح اقتصاد خود نیازمند روابط تجاری گسترده با اروپا است. برای مثال در زمان بوریس یلتسین که رابطه با اروپا به‌عنوان اولویت سیاست خارجی روسیه قلمداد می‌شد ارتباط نزدیک با اوکراین یکی از راه‌های وصول به این هدف بود. به‌طورکلی، اوکراین برای روسیه جایگاه ژئوپلیتیک ویژه‌ای دارد که طی زمان بر اهمیت این عامل افزوده شده است (کرم زاده و خوانساری فرد: ۱۳۹۳، ۱۲). رشد ملی‌گرایی ضد روسیه (هم در روسیه و هم در اوکراین) یک عامل مهم دیگر اهمیت اوکراین برای روسیه است. جنبش ملی‌گرایی در اوکراین (به دلیل تهدید جنگ با روسیه) به‌سرعت باید از بین می‌رفت. روسیه به دنبال امنیت است، اما امنیت در معنای سنتی، یا برای دولت روسیه یا هم‌وطنان

روسی در خارج از کشور. نظام سیاسی و اقتصادی ابتدا تحت سلطه یلتسین بود و سپس تحت سلطه پوتین سرانجام، پوتین به "پروژه ارزش محافظه‌کارانه" متکی است تا خودش را حفظ کند (Wilson, 2014:3). در ملی‌گرایی نوین روسیه، ایجاد یک هویت ژئوپلیتیک اوراسیایی متمایز با غرب و پررنگ شدن منطق ژئوپلیتیک با توجه به موقعیت جغرافیایی روسیه تأکید می‌شود و پوتین نیز بر اساس این منطق حوادث اوکراین را ارزیابی کرد، زیرا دسترسی به آب‌های گرم و حفاظت از مرزهای روسیه در گروی داشتن اوکراین است (علی حسینی؛ آئینه‌وند، ۱۳۹۴:۱۷).

جدول ۲ زمینه‌های نفوذ روسیه در اوکراین

| | |
|--|--|
| تعیین نخبگان سیاسی حاکم، تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری و تأمین مالی مبارزات انتخاباتی (کیانی، ۱۳۸۶:۷۳). | پیوند سیاسی اوکراین با روسیه |
| حضور ناوگان دریای سیاه روسیه در شبه‌جزیره کریمه | پیوند نظامی و راهبردی اوکراین با روسیه |
| نفوذ روسیه در صنعت انرژی، ماشین‌سازی، مجموعه‌های نظامی-صنعتی، بخش حمل‌ونقل، اطلاع‌رسانی و ارتباطات اوکراین | پیوند اقتصادی |
| رسانه‌های گروهی خصوصی، کلیسای ارتدوکس روسیه، هنر روسی و اقلیت‌های روس تبار ساکن در اوکراین (کیانی، ۱۳۸۶:۸۶). | پیوند فرهنگی |

زمینه‌ی تاریخی اختلافات روسیه و اوکراین

تحولات سریع سیاسی در اوکراین، بار دیگر این ادعا که هیچ‌گاه در این کشور دولت مستقل وجود نداشته است را تقویت کرد. چنین فضایی موجب شد تا نشانه‌های وجود دائمی دولت شکننده در ساختار سیاسی اوکراین تقویت شود. علاوه بر عدم ثبات دولت، درباره وجود ملت واحد نیز در ساختار اجتماعی اوکراین تردیدهای فراوانی وجود داشته است. (آدمی، ۱۳۹۳:۶). حافظه تاریخی روس‌ها به‌عنوان ملتی که همواره جزو نخبگان جهانی بوده‌اند از یک‌سو و بالاترین آمار کشته‌شدگان جنگ جهانی دوم و سقوط اتحاد جماهیر شوروی از سوی دیگر، باعث گردیده دولتمردان روسی و به‌ویژه

شخص ولادیمیر پوتین که از افسران ارشد سابق اداره اطلاعات و امنیت اتحاد شوروی بوده است، حس ناامنی تاریخی را همواره تجربه نمایند (عسگریان و وکیلی، ۱۳۹۳: ۲). جدایی کریمه از اوکراین و الحاق دوباره آن به قلمرو فدراسیون روسیه نتیجه رقابت‌های سیاسی، نظامی و ژئوپلیتیک غرب و روسیه تحت رهبری پوتین است. روسیه در این تقابل به دنبال بسط هرچه بیشتر حوزه نفوذ خود در منطقه خارج نزدیک است که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آن را از دست داده بود. در سال ۱۷۸۳ شبه‌جزیره کریمه به‌عنوان مرکز خانات کریمه ضمیمه خاک روسیه گردید. تاتارها تشکیل دولت در قرن پانزدهم تا هجدهم را دلیل بر این می‌دانند که آن‌ها مردمان بومی کریمه بوده‌اند و کریمه سرزمین مادری آن‌ها است. روس‌ها معتقدند که کریمه متعلق به جهان روس است و تاتارها این سرزمین را تصاحب نموده‌اند و صاحبان اصلی آن نمی‌باشند. اوکراینی‌ها نیز معتقد هستند که کریمه به لحاظ جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی بخشی از اوکراین به شمار می‌رود و به همین دلیل بعد از استقلال اوکراین در سال ۱۹۹۱ جامع جهانی و نیز روسیه تمامیت ارضی اوکراین را به رسمیت شناختند. موضوع تفاهم‌نامه ۱۹۹۴ بوداپست خلع سلاح هسته‌ای اوکراین و تضمین تمامیت اوکراین بود و در آن تفاهم‌نامه دولت‌های روسیه، بریتانیا و آمریکا حفظ تمامیت ارضی اوکراین را تضمین نمودند. در مقابل روس‌ها شبه‌جزیره را بخشی از روسیه می‌دانند که به‌وسیله دبیر کل حزب کمونیست و رهبری شوروی سابق یعنی خروشچف در سال ۱۹۵۴ به اوکراین ملحق گردید (Bebler و ثوقی و خیری به نقل از a:45۲۰۱۵).

جدول ۳ زمینه اختلافات تاریخی بین شرق و غرب اوکراین

| | |
|--|--|
| <p>بین اکثریت اوکراینی تبارها که بر اساس تخمین سال ۲۰۱۴ از جمعیت ۵۰ میلیونی اوکراین، اوکراینی تبارها ۷۸ درصد جمعیت را شامل می‌شوند. درحالی‌که روس تبارها ۱۷ درصد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۳: ۵).</p> | <p>اختلاف قومی و نژادی</p> |
| <p>موجود درآمد بخش‌های صنعتی و کشاورزی شرق و جنوب اوکراین در ماه بیش از سه هزار یورو یعنی تقریباً سه برابر متوسط درآمد در غرب اوکراین است که در ماه ۱۲۲۵ یورو درآمد دارند.</p> | <p>اختلاف درآمدی بین شرق بیشتر توسعه‌یافته در اوکراین و غرب کمتر توسعه‌یافته</p> |

اتحادیه اروپا و اوکراین

مسئله موقعیت اوکراین برای اتحادیه اروپا بازتاب‌دهنده تاریخ اوکراین است. اوکراین درحالی‌که تمایل زیادی به همکاری و پیوستن به اتحادیه اروپا دارد برای اروپا نیز اهمیت بسیاری دارد (Goldthau and Boersma, 2014:13). اتحادیه اروپا به دلیل برنامه مشارکت شرقی که از سال ۲۰۰۹ آغاز شد، به دنبال پیوندهای اقتصادی-سیاسی با اوکراین بود (کولایی؛ صداقت، ۱۳۹۶:۳).

اتحادیه اروپا به‌عنوان یک سازمان فرامنطقه‌ای، بازیگر مهم و تأثیرگذار در امنیت منطقه و بازیگر کلیدی داخلی در منطقه دریای سیاه است. تقویت روابط اتحادیه اروپا و اوکراین از نظر استراتژیک سیاسی و شراکت اقتصادی بسیار مهم است. این رابطه بر اساس رژیم همکاری و مشارکت بین اوکراین و کشورهای عضو اتحادیه تحکیم یافت که به‌منزله یک همکاری، پایه تقویت آزادی‌های سیاسی و اقتصادی جهت حمایت از استقلال و حاکمیت اوکراین برای ایجاد یک گفتگوی سیاسی به‌طور منظم و مسائل بین‌المللی و منافع متقابل جهت گسترش دموکراسی و توسعه و اقتصاد و انتقال به یک اقتصاد باز را فراهم می‌آورد (گودرزی؛ درخشنده، ۱۳۹۴:۱۸).

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اتحادیه اروپا به‌جای موافقت‌نامه پیشین، پیمان مشارکت و همکاری^۱ با کشورهای اوکراین، روسیه، مولداوی و بلاروس امضا کرد. این موافقت‌نامه‌ها نه به معنای عضویت این کشورها در اتحادیه یا گونه دیگری از ورود به این اتحادیه است و تنها تسهیلاتی برای تجارت آزاد با اتحادیه فراهم می‌کند. از ۱۹۹۱، اتحادیه اروپا، به‌منظور گسترش اهداف پیمان‌های مشارکت و همکاری خود با کشورهای تازه استقلال‌یافته، اقدام به همیاری تکنیکی با آن کشورها کرده است و این اتحادیه بزرگ‌ترین شریک بازرگانی روسیه و دومین شریک بازرگانی اوکراین و بلاروس است که این موضوع به اتحادیه قدرت اثرگذاری بیشتری می‌دهد. این اتحادیه برای افزایش همکاری خود با این کشورها بر پایه پروسه‌ای که مکانیسم دیالوگ خوانده می‌شود، برای رسیدن به بهترین راهکار مشارکت، گفتگو با این کشورها را در بالاترین سطوح ادامه می‌دهد (Zagorski, 2008:5).

درواقع می‌توان مهم‌ترین مسئله در روابط اوکراین و روسیه را تلاش کی‌یف برای نزدیکی به غرب و پیوستن به نهادهای آن دانست. به‌طورکلی، اوکراین پس از استقلال تمایل شدیدی برای حرکت به سمت غرب از خود نشان داده و در راستای دور شدن از روسیه و نزدیک شدن به نهادهای غربی گام

^۱ Partnership and cooperation agreement (PCA)

برداشته است. از طرف دیگر، رویکرد نهادهای غربی در پیشروی به شرق نیز به این گرایش‌ها دامن زده است (کرم زاده و خوانساری فرد: ۱۳۹۳، ۱۲).

گسترش اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ نیز، روسیه را با چالش‌های ژئوپلیتیک مواجه ساخت و موجب شد روسیه و طرف اروپایی از لحاظ جغرافیایی بیش‌ازپیش به هم نزدیک شوند. این امر برای روس‌ها خوشایند نبود زیرا عملاً اتحادیه اروپا را به سمت حوزه‌هایی گسترش یافت که پیش‌ازاین حوزه نفوذ روسیه محسوب می‌شدند و می‌توانست منافع روسیه را به مخاطره اندازد (بهمن، ۱۳۸۸: ۷۴).

جدول ۴ اهمیت اوکراین برای اتحادیه اروپا

| | |
|---|--|
| موقعیت جغرافیایی سیاسی: اندازه جغرافیایی و مساحت اوکراین: ۲۳۳۰۰۰ مایل مربع | هم‌مرز بودن با چهار کشور لهستان، اسلوانی، مجارستان و رومانی هم‌مرز بوده که همگی این ۴ کشور از اعضای ناتو محسوب می‌شوند |
| جمعیت اوکراین | تقریباً ۵۰ میلیون نفر |
| منابع طبیعی اوکراین | ۵ درصد منابع معدنی جهان، منابع فراوان نفت و گاز طبیعی. |
| توانایی نظامی اوکراین | این کشور در رتبه دوم بزرگ‌ترین ارتش متعارف قاره اروپا قرار دارد (حکمت نژاد و رمضان: ۱۳: ۱۳۹۳) |

مطابق دیدگاه باکول، سیاست اتحادیه اروپا در قبال اوکراین سه دوره متفاوت را دربرمی‌گیرد: دوره اول دوره نادیده انگاشتن، دوم: دوره رنجش و سوم: دوره تقدیر و قدردانی (Bukkvoll, 1997: 71).

در این دوره آخر اتحادیه‌ی اروپا زمینه را برای ارتقای همکاری‌های دوجانبه فراهم کرده است. در مورد نقش امنیتی اوکراین در ایده اروپای پهناور، باید بیان داشت که ثبات اوکراین در راستای منافع اتحادیه خواهد بود، به‌نحوی که از دیدگاه بسیاری از کارشناسان اروپایی اوکراین مردم‌سالار می‌تواند نقش مناسبی در امنیت اروپا ایفا نماید (حکمت نژاد و رمضان: ۱۴، ۱۳۹۴).

اتحادیه اروپا و روسیه

روابط اتحادیه اروپا با فدراسیون روسیه هیچ‌گاه بدون تنش نبوده است، اما این روابط در سال ۲۰۱۴ وارد یک مرحله جدید و البته پرتنش شد. اتحادیه اروپا مهم‌ترین شریک تجاری روسیه محسوب می‌شود و روسیه نیز چهارمین شریک تجاری اتحادیه و مهم‌ترین تأمین‌کننده انرژی اتحادیه اروپاست (شمودی، ۱۳۹۶: ۱۷).

موضوع اوکراین سبب وخیم شدن روابط اروپا و روسیه شد. اولین موج سخت‌گیری‌ها علیه روسیه توسط اتحادیه اروپا در مارس ۲۰۱۴ آغاز شد. با افزایش حوزه بحران، اتحادیه اروپا نیز فشارهای خود را افزایش داد و درعین حال، تلاش‌ها برای راه‌حل‌های دیپلماتیک ادامه داشت اما اتخاذ گام قطعی برای تحریم‌های اقتصادی در ۱۷ جولای ۲۰۱۴ در واکنش به سقوط هواپیمای مالزیایی ام‌اچ ۱۷ رخ داد. نقطه عطف دیگر در تحریم‌های اتحادیه اروپا، تهاجم آشکار و گسترده جنگنده‌های روسیه به اوکراین در اواخر ماه آگوست بود (Hrmму, 2014).

رویکرد اتحادیه اروپا بیشتر مبتنی بر ممانعت از به‌کارگیری فعالیت ممنوع (نقض حاکمیت اوکراین) و سیگنال دادن در مورد نقض یک هنجار بین‌المللی است. رویکرد اروپا با این تفسیر که اساساً به‌عنوان یک قدرت نرم و هنجاری در روابط بین‌الملل شناخته می‌شود، سنخیت دارد. غرب و به‌طور خاص اروپا خواهان به تأخیر انداختن دخالت خارجی روسیه بودند (همان عسگریان ۱۵).

ایستار اتحادیه اروپا در مقابل روسیه

قدرت‌های مستقر در رویارویی با قدرت‌های در حال خیزش، استراتژی‌های متفاوت در پیش می‌گیرند. قدرت مسلط یا ائتلافی از قدرت‌های موجود، برای رویارویی با خطر قدرت در حال خیزش ممکن است از زور برای نابود کردن آن بهره‌گیرند. در روشی ملایم‌تر، قدرت‌های مستقر می‌کوشند قدرت در حال خیزش را راضی و آن را در نظم بین‌المللی درگیر و مسئول کنند؛ اما گاهی هدف‌های قدرت در حال خیزش فراتر از آن است که با سیاست ارضای مسالمت‌آمیز بتوان به آن پاسخ داد (امام جمعه زاده و میرکوشش، ۱۳۹۲: ۸۸).

اتحادیه اروپا انواع مختلفی از اقدامات محدودکننده را در مقابل روسیه اعمال کرد:

- اقدامات دیپلماتیک

- محدودیت‌های فردی (ممنوعیت دارایی و محدودیت‌های سفر)

- محدودیت‌های روابط اقتصادی با کریمه و سواستوپول

- تحریم‌های اقتصادی

- محدودیت‌های همکاری اقتصادی

مبنای حقوقی تحریم‌های اتحادیه اروپا فصل هفتم منشور سازمان ملل و مواد ۳۰ و ۳۱ پیمان اتحادیه اروپاست و هدف از اعمال تحریم‌ها را ایجاد تغییر در فعالیت‌ها و سیاست‌های کنشگران ناقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر معرفی می‌کند. در واقع هدف اصلی از اعمال تحریم بر ضد روسیه، ایجاد تغییر در سیاست‌های این کشور در اوکراین و به‌ویژه الحاق کریمه به خاک خود است. تحریم‌های دور نخست در تاریخ ۶ مارس ۲۰۱۴ صورت پذیرفت و بیشتر جنبه نمادین داشت. با تشدید بحران، اتحادیه اروپا نیز میزان تحریم‌های خود را افزایش داد. به‌عنوان مثال، سقوط هواپیمای خطوط مالزی بر فراز اوکراین در ۱۷ جولای ۲۰۱۴ موجب افزایش تحریم‌ها گردید (صباغیان و ثمودی، ۱۳۹۳: ۱۵). در پی الحاق کریمه به روسیه اتحادیه اروپا، روسیه را از گروه ۸ اخراج و دارایی‌های آن را بلوکه کردند (کولایی؛ صداقت، ۱۳۹۶: ۶) اتحادیه اروپا موضع به نسبت نرم‌تری را در موضوع تحریم روسیه به کار گرفت و از تحریم کردن مقامات حلقه اولیه نزدیک به پوتین خودداری کرد (Traynor, 2014). همچنین اتحادیه اروپا با ادعای دخالت روسیه در اوکراین، ۱۵۵ مقام روس و اوکراینی حامی مسکو و همچنین ۳۸ شرکت را تحریم کرده است زیرا اقدامات آن‌ها تضعیف تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال اوکراین است (Report of ukrain crisis, 2014).

این تحریم‌ها شامل تحریم‌های اقتصادی:

تعلیق هرگونه انجام عملیات بانکی جدید از سوی بانک سرمایه‌گذاری اروپا و بانک توسعه و بازسازی اروپا؛ ممنوعیت واردات از کریمه و صادرات کالاهای دارای کاربرد دوگانه تجهیزات نظامی به روسیه؛

منع صدور مجوزهای صادرات برای تجهیزات مرتبط در حوزه انرژی و ممنوعیت دسترسی به بازارهای اتحادیه اروپا؛ ممنوعیت صادرات محصولات مورد استفاده در آب‌های عمیق و طرح‌های نفت شیل؛

ممنوعیت هرگونه مالکیت املاک در کریمه و سواستوپول، دادن وام یا اعتبار بانکی، سرمایه‌گذاری مشترک، ارائه خدمات سرمایه‌گذاری، ممنوعیت فروش، تأمین، انتقال یا صادرات برخی کالاهای خاص

یا ارائه کمک‌های فنی و ساخت یا تأمین زیرساخت‌های مهندسی و فعالیت‌های مرتبط با حوزه گردشگری در کریمه و سواستوپول (صبغیان و ثمودی، ۱۳۹۳: ۱۵).

اقدامات دیپلماتیک

به‌جای اجلاس G8 در سوچی، نشست G7 در روز ۴-۵ ژوئن ۲۰۱۴ در بروکسل برگزار شد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا از تعلیق مذاکرات در مورد پیوستن روسیه به OECD و آژانس بین‌المللی انرژی حمایت کردند. نشست اتحادیه اروپا و روسیه لغو شد و کشورهای عضو اتحادیه اروپا تصمیم به برگزاری نشست‌های منظم دوجانبه نداشتند. مذاکرات دوجانبه با روسیه در رابطه با ویزا و همچنین توافق جدید میان اتحادیه اروپا و روسیه به حالت تعلیق درآمد.

محدودیت برای کریمه و سواستوپول

ممنوعیت واردات کالاهای ناشی از کریمه یا سواستوپول، مگر اینکه گواهی‌نامه‌های اوکراین داشته باشند؛ ممنوعیت سرمایه‌گذاری در کریمه؛ اروپایی‌ها و شرکت‌های مبتنی بر اتحادیه اروپا دیگر نمی‌توانند املاک و مستغلات را در کریمه، شرکت‌های کریمه یا خدمات مربوطه را خریداری کنند. علاوه بر این، آن‌ها نباید در پروژه‌های زیربنایی در شش بخش سرمایه‌گذاری کنند؛ ممنوعیت ارائه خدمات گردشگری در کریمه یا سواستوپول؛ کشتی‌های دریایی اروپا در بنادر شبه‌جزیره کریمه تماس نداشته باشند، مگر در موارد اضطراری. این امر در مورد تمام کشتی‌هایی که متعلق به یک شرکت اروپایی هستند یا تحت کنترل پرچم یک کشور عضو اتحادیه اروپا است، اعمال می‌شود. محصولات و تکنولوژی حمل‌ونقل، مخابرات و بخش انرژی و یا اکتشاف نفت، گاز و منابع معدنی به شرکت‌های کریمه یا برای استفاده در کریمه صادر نشوند؛ کمک‌های فنی، واسطه، ساخت‌وساز یا خدمات مهندسی مربوط به زیرساخت در بخش‌های مشابه نباید ارائه شود (European union, 2014).

تحریم افراد و نهادهای رسمی

اعمال تحریم در حوزه محدودیت‌های مسافرت و توقیف دارایی ۲۱ شهروند روسیه و سایر مقام‌ها و کارکنان نظامی آن و در سومین مرحله تحریم‌ها، تعداد افراد را به ۳۳ مورد افزایش داد و همچنین

اموال مقام‌های ارشد روسیه و رهبران جدایی طلب را در شرق اوکراین مسدود کرد (صباغیان و شمودی، ۱۳۹۳: ۱۵).

تحریم‌هایی که به‌طور تدریجی طی یک سال اتخاذ شده بود تا ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ تمدید شد. این تحریم‌ها سرمایه‌گذاری‌های اروپایی‌ها را در زمینه صادرات فناوری، حمل‌ونقل، مخابرات، انرژی و نیز صنایع نفت و گاز و مواد معدنی ممنوع کرد. فرانسه تحریم‌های مالی و تحریم‌های انرژی مورد تأیید قرار داد. همچنین مذاکرات به‌وسیله لابی حلقه تجاری علیه طرح تحریم‌ها یعنی آلمان و فرانسه در صف اول تشدید شدند (عسگریان؛ وکیلی، ۱۳۹۳: ۱۷). بر این اساس فعالیت‌های گردشگری در کریمه و واردات محصولات از مبدا کریمه به اروپا ممنوع شد. به‌طور کلی تحریم‌های اروپا را می‌توان در ۳ گروه تقسیم‌بندی کرد (نیکنامی، ۱۳۹۴: ۵).

| | |
|---|---------------------|
| ۱. تعلیق شرکت روسیه در اجلاس G8 در سوشی در ماه ژوئن که در بروکسل تبدیل به اجلاس G7 شد. | تحریم‌های دیپلماتیک |
| ۲. تعلیق مذاکرات روسیه و اتحادیه اروپا در مورد ویزا و موافقت‌نامه جدید ممنوعیت سفر برای برخی اتباع روس و بلوکه کردن دارایی‌های کسانی که در حلقه یاران پوتین بودند که ۱۱۹ فرد و ۲۳ نهاد را در برمی‌گیرد. | تحریم‌های انفرادی |
| ۱. ممنوعیت واردات کالا از کریمه و Sevastopol ۲. اعمال تحریم‌های اقتصادی در بخش‌های دفاعی، بازار سرمایه و کالاهای دومتظوره و صنعت نفت | تحریم‌های اقتصادی |

از دیدگاه روسیه، اتحادیه اروپا به‌مثابه یک سازمان خنثی دهه ۹۰ میلادی تلقی نمی‌شود. این کشور طی سال‌های اخیر به این اتحادیه بسیار بدبین شده است. این موضوع را سرگئی لاوروف به‌سادگی بیان کرد که ما (روسیه) متهم به داشتن حوزه نفوذ می‌شویم، اما مشارکت شرقی^۱، اگر تلاش برای گسترش حوزه نفوذ اروپا نیست، پس چیست؟ کاساچی‌یف، رئیس کمیته سیاست خارجی پارلمان روسیه نیز عنوان می‌دارد که "اتحادیه اروپا همانند یک گرداب غول‌آسایی است که به آهستگی، اما مطمئن در حال بلعیدن همسایگان ماست" (هدایتی؛ رضاپور، ۱۳۹۵: ۲۹).

^۱ Eastern Participation

تأثیر تحریم‌ها

در حوزه کارایی اعمال تحریم‌ها نقش روسیه چندبعدی است: روسیه تولیدکننده و صادرکننده اصلی انرژی و مواد خام به اروپا است، اما مصرف‌کننده مهم کالاهای اروپایی نیز محسوب می‌شود. از آن مهم‌تر، روسیه عرضه‌کننده عمده انرژی است که در همسایگی اروپا قرار گرفته است و ۳۰ درصد گاز و نفت قاره را تأمین می‌کند و بنابراین نقش مهمی در زنجیره عرضه کالای شرکت‌های اروپایی دارد. مقامات روسی بارها اعلام کرده‌اند که اقتصاد روسی از اعمال تحریم‌ها به شدت ضربه خورده است. میزان تورم نیز در روسیه افزایش یافته است. در بعد سیاسی، روسیه از غرب فاصله گرفت و سعی بر ایجاد بلوک‌بندی با کشورهای نظیر چین و ایران در منطقه کرده است؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد که به لحاظ سیاسی تحریم‌ها توانسته باشند خللی در قدرت بازیگری روسیه ایجاد کنند. در بعد مالی تحریم‌ها کارایی داشتند و اقتصاد روسیه با سرعت بیشتری به سوی رکود سوق دادند. ارزش روبل سقوط کرد و از میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا حد زیادی کاسته شده است. در بعد تجاری، اعمال رژیم تحریم‌ها سبب گرایش به نظام جانشینی واردات در روسیه و کند شدن حرکت بازار به سوی مدرنیته اقتصادی شده است (نیکنامی ۲۸-۱۳۹۴:۲۹).

حمایت اقتصادی و سیاسی اتحادیه‌ی اروپا از اوکراین

از زمان آغاز بحران، اتحادیه اروپا برای کمک به اوکراین و محدود کردن رفتار روسیه تلاش زیادی کرده است. در تاریخ ۱ مارس ۲۰۱۴ نماینده اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای خواستار کاهش تنش از طریق گفت‌وگو، با احترام کامل به قوانین بین‌المللی و استقرار سریع یک مأموریت نظارت ویژه سازمان امنیت و همکاری اروپا؛ امضاء سیاسی توافقنامه انجمن با اوکراین " و " حمایت قوی از مردم برای تثبیت اقتصادی و انسانی کشور " شد. ابتدا در ماه سپتامبر ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا یک چتر حمایتی از مناطق آسیب‌دیده " (به ارزش ۱۷ میلیون یورو) که ۱۷ پروژه را هدف قرار دادند را برای حمایت از آوارگان داخلی در اوکراین راه‌اندازی کرد. با استفاده از ابزارهای متعدد حمایت از جامعه مدنی (به‌عنوان مثال، حمایت از جامعه مدنی برنامه، (EIDHR-حمایت مالی از پروژه‌های مختلف را انجام داد. با توجه به وضعیت فعلی، افراد تحت تأثیر این حادثه، تحت حمایت قرار می‌گیرند (Rabinovych, 16:2017). سرانجام، هنگامی که پوتین به اوکراین حمله کرد، اتحادیه اروپا (همراه با ایالات متحده) تلاش‌های بین‌المللی را برای تثبیت وضعیت این کشور انجام دادند. از نظر بحران اقتصادی در سال ۲۰۱۴ به‌طور

مؤثری مالی، با ۴ میلیارد یورو کمک مالی مؤثر یا پرداخت کند. این کمک‌های بشردوستانه را برای قربانیان جنگ، از جمله افراد آواره، فراهم کرده است؛ و کمک‌های فنی را برای کمک به اصلاحات، از جمله مبارزه با فساد، ارائه داده است (Grant, 2016).

اتحادیه اروپا اقدامات لازم را جهت حمایت از دولت اوکراین در اجرای اصلاحات اقتصادی و سیاسی اتخاذ کرد. در فراندوم کریمه ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا اعلام کرد که این رأی‌گیری غیرقانونی در شرایط غیر دموکراتیک ایجاد شده است (Lironi:2015). گام مهم در آرمان‌های اوکراین، تحکیم توسعه و بهبود اقتصادی است از این رو اصلاحات می‌تواند شامل افزایش قیمت‌های انرژی به سطح بازار بین‌المللی و حذف یارانه‌های سوخت باشد در عین حال اصلاحات مختلف باید به منظور حل مشکل بدهی عمومی کشور و ساده‌سازی نظام مالیاتی و غیره است و اوکراین موفق نخواهد شد این سیاست‌ها را اجرا کند مگر با حمایت اتحادیه از این اصلاحات. (در قالب طرح مارشال کمک مالی لازم را برای بازسازی ثبات و صلح فراهم کند) حمایت از اوکراین در تبدیل آن به یک دموکراسی مدرن با حمایت سیاسی و ایجاد همکاری اقتصادی و مالی که در نهایت منجر به ایجاد منطقه آزاد تجاری خواهد شد و همچنین اتحادیه اروپا باید بر حمایت سیاسی از اصلاحات و روند ثبات در اوکراین به خصوص در مبارزه با فساد، اصلاح بخش‌های قضایی و امنیتی تمرکز کند (Lironi, 2015: 4).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا عملکرد اتحادیه‌ی اروپایی - که به عنوان یک کنش‌گر فراملی شناخته می‌شود - در خصوص بحران ۲۰۱۴ اوکراین مورد بررسی قرار گیرد. نهادگرایی نئولیبرال به عنوان چارچوب نظری و ابزار تحلیل در این پژوهش انتخاب شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند اتحادیه اروپا به نوبه خود موفق به ساخت یک چارچوب نهادی شده است که می‌تواند یک رابطه قوی‌تر را تقویت کند با اقدامات اتحادیه اروپا در بحران اوکراین که شامل رژیم تحریم و حمایت از اوکراین بود تنش بین دو طرف کاهش یافت و در درازمدت دیگر اعضای اتحادیه و روسیه باید یاد می‌گیرند که به عنوان بازیگران مهم در روابط ملت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای با همدیگر در همزیستی مسالمت‌آمیز زندگی کنند به ویژه در مورد مسائل استراتژیک، اقتصادی، ساختار امنیتی جدید اروپا باید گفت‌وگوهایی بین اتحادیه و روسیه صورت گیرد. روی هم‌رفته نمی‌توان انکار کرد که تحریم‌ها و نتایج آن منجر به تغییراتی در رفتار روسیه در مورد اوکراین شد اما تغییرات تنها در تاکتیک‌ها و زمان‌بندی خواهد بود

نه اهداف استراتژیک. به همین دلیل تحریم‌ها نتوانست مثل دهه ۱۹۹۰ روسیه را به ستوه درآورد؛ اما این سک واقعیت غیرقابل انکار است تحریم‌های اروپا برای روسیه هزینه‌های متعددی در برخواهد داشت.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله. (۱۳۹۳). "منازعه غرب و روسیه در قالب انقلاب‌های نارنجی و آبی در اوکراین". فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل ۷ (۲۷).
http://prb.iauctb.ac.ir/article_510743_51cd168c774593300a7196b88c10d7de.p df
- ۲- آجیلی، هادی، و لیلا آهار. (۱۳۹۳). "نقش منافع اقتصادی روسیه و اتحادیه‌ی اروپا در بحران اوکراین ۲۰۱۴ میلادی". اطلاعات سیاسی - اقتصادی (۲۹۸).
http://www.iirjournal.ir/index.php?option=com_attachments&task=download&id=128
- ۳- آدمی، علی، و مهدی هدایتی شهیدانی. (۱۳۹۳). "ساختار اجتماعی شکننده در اوکراین؛ عرصه رویارویی قدرت". مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۲۰ (۸۶).
http://ca.ipisjournals.ir/article_14422_44c0d0e5365ee1a0b43256a4324b5fa0.p df
- ۴- آقاجانی، ناصر. (۱۳۷۳). "بررسی ریشه‌های اختلاف در روابط روسیه و اوکراین". مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (۶).
- ۵- امینیان، بهادر. (۱۳۹۴). "نقش امنیتی اتحادیه اروپا در عرصه بین‌الملل: ضرورت‌ها و چالش‌ها". آفاق امنیت ۸ (۲۴).
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=287607>
- ۶- بهمین، شعیب. (۱۳۸۸). "روسیه و اتحادیه اروپا؛ تقابل واقع‌گرایی و لیبرالیسم". مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (۶۷).
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/609114>
- ۷- ترابی، قاسم، و فریبا کیانی. (۱۳۹۳). "تبیین سیاست خارجی روسیه در قبال بحران اوکراین از منظر واقع‌گرایی ساختاری تدافعی". مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۲۰ (۸۷).
http://ca.ipisjournals.ir/article_14452_beca5a841aa15302f994e31f0e7ed739.p df
- ۸- ثمودی پوله رود، علیرضا. (۱۳۹۶). "جنگ سرد جدید در روابط اتحادیه اروپا و فدراسیون روسیه". مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۲۳ (۱۰۰).
http://ca.ipisjournals.ir/article_30527_8ed22dc681ea7ff0dd118160d7d26234.p df
- ۹- ثمودی، علیرضا، و علی صباغیان. (۱۳۹۳). "تحریم‌های اتحادیه اروپا بر ضد روسیه؛ دلایل، ابعاد و پیامدها". مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۲۰ (۸۶).

http://ca.ipisjournals.ir/article_14424_19344ed5c209740b0fc1c143449908fc.pdf
f

۱۰- دهشیار، حسین (الف). (۱۳۹۳). "گسل‌های داخلی، تنیدگی‌های تاریخی، منطق ژئوپلیتیک قدرت و رویارویی برای شبه‌جزیره کریمه." پژوهش‌های راهبردی سیاست ۳ (۹).
https://qps.atu.ac.ir/article_650.html

۱۱- دهشیار، حسین (ب). (۱۳۹۳). "سیاست خارجی روسیه در قبال اوکراین: گریزناپذیری بحران." روابط خارجی (۲۱).
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1032532>

۱۲- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۷۷). "نظریه نهادگرایی نئولیبرال و همکاری‌های بین‌المللی." فصلنامه سیاست خارجی ۱۲ (۳).
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/278454>

۱۳- رستمی، محمدرضا. (۱۳۹۳). "بحران اوکراین، زمینه‌های منطقه‌ای و پیامدهای فرامنطقه‌ای." مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۲۰ (۸۵).

http://ca.ipisjournals.ir/article_13821_e5f927fdd02b9cdb7fdd75dd471a170e.pdf
f

۱۴- رضانی، محمدعلی، و ناصر حکمت نژاد. (۱۳۹۴). "تجزیه و تحلیل عملکرد سیاست همسایگی اتحادیه اروپا: مطالعه موردی اوکراین." پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل ۳ (۲).
https://irlip.um.ac.ir/article_27938_8efce133ea411d4297a70ab6b3de8145.pdf

۱۵- زمانی، مسعود، و مجید نیکویی. (۱۳۹۵). "مجله‌ی تحقیقات حقوقی." حق تعیین سرنوشت: بررسی جدایی کریمه از اوکراین از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی. ۱۹ (۷۳).
https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56394_5c52eb3bb4ab2b437af2ed_ea7f38cc14.pdf

۱۶- سیف زاده، سید حسین. (۱۳۸۳). اصول روابط بین‌الملل (الف و ب). تهران: میزان.

۱۷- عسگریان، عباس، و فرهاد وکیلی. (۱۳۹۳). "رژیم چندجانبه تحریم: واکاوی سازوکار تحریم‌های اعمالی علیه روسیه." مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۲۰ (۸۶).
http://ca.ipisjournals.ir/article_14425_c22f7bc89bd66af63f35923d7d687989.pdf
f

۱۸- علی حسینی، علی، و حسن آئینه‌وند. (۱۳۹۴). "تجزیه و تحلیل تأثیر اندیشه نئوآراسیاگرایی بر سیاست خارجی روسیه در بحران اوکراین ۲۰۱۴." مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (۹۲).
http://ca.ipisjournals.ir/article_22201_48d025f9b09f84154d49acb8d7084f18.pdf
f

۱۹- قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۹۲). روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها. تهران: سمت.

- ۲۰- کرم زادی، مسلم، و فهیمه خوانساری فرد. (۱۳۹۳). "بررسی روابط اوکراین و روسیه (ریشه‌یابی زمینه‌های بحران ۲۰۱۴)". مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۲۰ (۸۶).
http://ca.ipisjournals.ir/article_14426_c965216b7b81295b16e1d0980fe9b1e8.pdf
- ۲۱- کولایی، الهه، و محمد صداقت. (۱۳۹۶). "بحران اوکراین و آیین نظامی روسیه". مطالعات اوراسیای مرکزی ۱۰ (۱).
https://jcep.ut.ac.ir/article_62908.html
- ۲۲- کیانی، داوود. (۱۳۸۶). "سیاست نفوذ روسیه در اوکراین، واکنش اتحادیه اروپا". مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز (۵۷).
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/323465>
- ۲۳- کیانی، داوود. (۱۳۸۸). "فراآتلانیک‌گرایی نوین و تأثیر آن بر روابط اتحادیه اروپا و روسیه". راهبرد (۵۱).
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/648459>
- ۲۴- گودرزی، مهناز، و مریم درخشنده لزرسانی. (۱۳۹۴). "بحران اوکراین در مجموعه امنیتی دریای سیاه". مطالعات سیاسی ۸ (۲۲).
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=481278>
- ۲۵- مجیدی، محمدرضا، محمدجواد فتحی، و محمدتقی جهانبخش. (۱۳۹۶). "مدیریت بحران فدراسیون روسیه در مسئله اوکراین". مطالعات اوراسیای مرکزی ۱۰ (۲).
<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=501176>
- ۲۶- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۱). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت.
- ۲۷- مصلی نژاد، عباس. (۱۳۹۲). "بحران اوکراین و تشدید رقابت‌های منطقه‌ای". سیاست جهانی ۲ (۴).
https://interpolitics.guilan.ac.ir/article_763.html
- ۲۸- میرکوشش، امیرهوشنگ، و سیده مسعوده میرمسعودی. (۱۳۹۵). "نیروی هنجاری اتحادیه اروپا در برابر قدرت نوپای روسیه". مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی (۳۰۵).
<http://www.iirjournal.ir/index.php/fa/component/attachments/download/682.html>
- ۲۹- نیکنامی، رکسانا. (۱۳۹۴). "سنجش تأثیر و کارایی تحریم‌ها: مورد تحریم‌های اتحادیه اروپایی علیه روسیه". فصلنامه روابط خارجی ۷ (۱).
http://frqjournal.csr.ir/article_123669_ba7019367047888516a167bb01cb708d.pdf
- ۳۰- هدایتی شهیدانی، مهدی، و دانیال رضاپور. (۱۳۹۵). "جایگاه خارج نزدیک در گفتمان امنیتی نواوراسیاگرایان روسیه". مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۲۲ (۹۶).
http://ca.ipisjournals.ir/article_24387_cb3404edbac1b2d468e475b5174fedc5.pdf

۳۱- وثوقی، سعید، و مصطفی خیری. (۱۳۹۵). "اکراین: عرصه تقابل غرب و روسیه." مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۲۲ (۹۴).
http://ca.ipisjournals.ir/article_24264_b48612cbad33802174a79ee9728d24eb.pdf

۳۲- ولیزاده، اکبر، سیمین شیرازی، و حمیدرضا عزیزی. (۱۳۹۴). "تأثیر بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین بر روابط روسیه و ایالات متحده." مطالعات اوراسیای مرکزی ۸ (۱).
https://journals.ut.ac.ir/article_54966.html

ب) منابع انگلیسی

- 33- Belber, Anton (2015a) 'Crimea and the Russian-Ukrainian Conflict', Romanian Journal of European Affairs, Vol.15, No.1.
- 34- Belber, Anton (2015b), 'The Russian-Ukrainian conflict over crimea', at: www.dlib.si/stream/URN:NBN:SI:DOC-EF319ZSW/...af2c.../PDF, Accessed on: 13 October 2016
- 35- Bukkvoll, T. (1997). *Ukraine and European security*. London: royal institute of international affairs.
- 36- Grant Charles (2016), 'Is the EU to blame for the crisis in Ukraine?' 01 June 2016
- 37- <https://www.cer.eu/insights/eu-blame-crisis-ukraine>
- 38- Goldthau, Andreas, Tim Boersma (2014), 'The 2014 Ukraine-Russia Crisis: Implications for Energy Markets and Scholarship', *Energy Research & Social Science* 3.
- 39- Lironi Elisa (2015). 'The Ukrainian Crisis: Lessons for EU's Foreign and Defence Policy'. Policy and Advocacy Officer at the Union of European Federalists (UEF).
- 40- Rabinovych Maryana (2017). 'The EU's response to the crisis in Ukraine'.
- 41- Rechtswissenschaftliche, Beiträge der der Hamburger Sozialökonomie.
- 42- Traynor, Ian (2014), "European Union Prepares for Trade War with Russia over Crimea", *The Guardian*, 3/21/2014,
- 43- <https://www.theguardian.com/world/2014/mar/21/eu-mobilises-trade-war-russia-crimea-ukraine>
- 44- Wilson Andrew (2014) 'The Ukraine crisis brings the threat of democracy to Russia's doorstep'. *European* 13:67-72 DOI 10.1007/s12290-014-0302-x
- 45- EU restrictive measures in response to the crisis in Ukraine (2014)
<http://www.consilium.europa.eu/en/policies/sanctions/ukraine-crisis/>
- 46- <http://www.eppgroup.eu/our-priority/The-EU%27s-response-to-the-crisis-in-Ukraine>

- 47- EU sanctions against Russia over Ukraine crisis(2014) European union
https://europa.eu/newsroom/highlights/special-coverage/eu-sanctions-against-russia-over-ukraine-crisis_en
- 48- [http://parstoday.com/fa/europe and america-i95303](http://parstoday.com/fa/europe-and-america-i95303)

